

## مقدمه‌ای بر همبستگی ملی با تاکید بر مؤلفه های فرهنگ و گردشگری

دکتر منوچهر جهانیان<sup>۱</sup>

عضو هیات علمی جهاد دانشگاهی

دکتر مهدی قرخلو

عضو هیات علمی دانشگاه تهران

ابتهاال زندی

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت جهانگردی- گرایش بازاریابی دانشگاه علامه طباطبائی

### چکیده

این مقاله مفهوم همبستگی ملی و عوامل موثر بر آن را در قالب یک چارچوب مفهومی بیان و در ادامه نقش و تاثیر گردشگری بر هر یک از عوامل موثر مورد بررسی قرار می دهد. مفهوم همبستگی در تاریخ اندیشه علوم اجتماعی، سیاسی و انسانی سابقه‌ای طولانی دارد و منظور از آن هماهنگی میان اجزای تشکیل دهنده کل نظام اجتماعی است. همبستگی ملی مفهومی دو سویه داشته که هم بر تمایزات و هم بر اشتراکات دلالت می کند. این مفهوم از یک سو با تاکید بر مشترکات، ما را پیرامون محوری واحد همبسته و متعهد می سازد و از دیگر سو ما را از دیگران باز می شناساند. ایران ما کشوری متنوع، متکثر و مرکب از اقوام و خرده فرهنگ های گوناگون است که در میان آنها عناصر هویتی، دینی، ذهنی، تاریخ مشترک و جغرافیای واحد از اهمیتی بسیار برخوردار است. پیش زمینه تقویت همبستگی ملی در یک جامعه، وجود شناخت مشترک خرده فرهنگ ها از یکدیگر است و زبان فارسی به عنوان میراث فرهنگی مشترک در این میان نقش تسهیل کننده این شناخت را دارد و بدیهی است که گسترش ایرانگردی در قالب گردشگری، زیربنای برقراری شناخت مشترک و درک متقابل میان خرده فرهنگ ها محسوب می شود.

**واژگان کلیدی:** هویت، همبستگی ملی، عوامل موثر بر همبستگی ملی، فرهنگ، گردشگری.

### مقدمه

انسان موجودیست اجتماعی و تمامی رفتارهای انسانی به نوعی در ارتباط با جمع است. در کنار یکدیگر قرار گرفتن آدمیان، زمانی می تواند نیروی موثری ایجاد نماید که، در میان آنها رابطه ای همبسته، بهم پیوسته و اندام وار حاکم باشد. در این زمینه ابن خلدون مساله همبستگی را در قالب مفهوم عصبيت طرح نموده که براساس خون، نژاد، دین و یا ترکیبی از این عناصر در بین گروهی از مردم بوجود می آید. از نظر وی این عصبيت که عمدتاً در جوامع بدوی وجود دارد آنچنان نیرویی را ایجاد می کند که معطوف به قدرت بوده و موجب بروز تحولات سیاسی واجتماعی می گردد [۱۹]. امروزه وجود تنوعات قومی و قبیله‌ای از جمله ویژگی جمعیتی غالب کشورهای جهان به شمار می رود و تنها تعداد معدودی از کشورهای جهان وجود دارند که از وحدت قومی و قبیله ای برخوردار هستند. چنانچه در تعریف اقوام و قبایل، وحدت نژادی را لحاظ نماییم، باید گفت از آن جایی که نژاد خالص در جهان وجود ندارد، هرگونه تلاش برای خالص سازی نژادی، عقیم و محکوم به شکست است، لذا صحبت از قوم و قبیله کاملاً متمایز و

خالص بسیار غیر واقع بینانه و بیشتر رمانتیک بوده و دارای جنبه های سیاسی می باشد که از سوی نخبگان قومی و غیر قومی دامن زده می شود در عین حال وجود تفاوتی در رنگ پوست، جنبش، ترکیب صورت، لباس، زبان، لهجه، آداب و رسوم، سنت و مذهب موجب تمایزات و مرز بندهایی در ترکیب جمعیتی کشورها می گردد. این تمایزات در اندیشه اجتماعی اسلام، نه تنها آسی و یا تهدید محسوب نمی گردد، بلکه محصول اراده آگاهانه خداوند جهت فراهم نمودن امکان شناخت بهتر افراد نسبت به یکدیگر عنوان شده است آن جا که می فرماید: «وجعلنا شعوبا و قبایل ستعارفوا»

در آغاز قرن ۲۱، شاهد دو نوع تلاش متقابل هستیم که هر کدام نتایج خاص خود را دارا هستند. از یک سو اقلیت های قومی و مذهبی متمایز، که هویت و منافع خود را در تهدید اکثریت حاکم دولت مرکزی می بیند، در صدد تاکید بر هویت متمایز خویش اند و از این طریق تهدیدی برای همبستگی ملی محسوب می شوند و از سوی دیگر، دولت-کشور، در قالب همکاری منطقه ای و بین المللی، در صدد تقویت همبستگی های منطقه ای و بین المللی اند، تا از قبل آن منافع بیشتری بدست آورند. به هر تقدیر، مساله هویت، در هر دو ره یافت یاد شده مساله ایست درخور توجه که موضوع بحث این مقاله می باشد [۱۲].

مفهوم همبستگی در تاریخ اندیشه علوم اجتماعی، سیاسی و انسانی سابقه ای طولانی دارد و منظور از آن هماهنگی میان اجزای تشکیل دهنده کل نظام اجتماعی می باشد. در جوامع سنتی پیوندهای گوناگونی از قبیله تا مذاهب و حکومت موجب همبستگی جامعه می شد [۳].

تفاوت میان فرهنگ ها به مولفه هایی همانند تاریخ، زبان، اعتقادات، آداب و رسوم، نهادهای اجتماعی و نژاد بر می گردد. مولفه هایی که به خاطر پیوند نزدیکشان با یکدیگر، بر اثر گذر ایام برآیند خاصی را به وجود می آورند که همانا هویت و روح کلی کشورهاست [۸]. هویت ملی همان حالتی است که میان مردم در سراسر کشور همبستگی ایجاد می کند که برابر آن، از سایر هویت ها جدا می گردد. به منظور تقویت هویت ملی باید اراده با هم زیستن بین اقوام گوناگون یک سرزمین تقویت شود [۸]. حس همبستگی ملی، احساسی است که مفهوم تعیین هویت و وفاداری را در بردارد، بدین ترتیب در حس همبستگی ملی احساس مشترکی میان سرزمین و مردمان مختلف آن بوجود می آید بدون آنکه آنها از لحاظ فرهنگی و فضایی به هم نزدیک باشند [۴]، [۱۰]. پیش زمینه تقویت همبستگی ملی در یک جامعه، وجود شناخت مشترک خرده فرهنگ ها از یکدیگر است. و زبان فارسی به عنوان میراث فرهنگی مشترک در این میان نقش تسهیل کننده این شناخت را دارد و بدیهی است که گسترش ایرانگردی در قالب گردشگری، زیربنای برقراری شناخت مشترک و درک متقابل میان خرده فرهنگ ها می باشد [۲۴].

#### روش تحقیق:

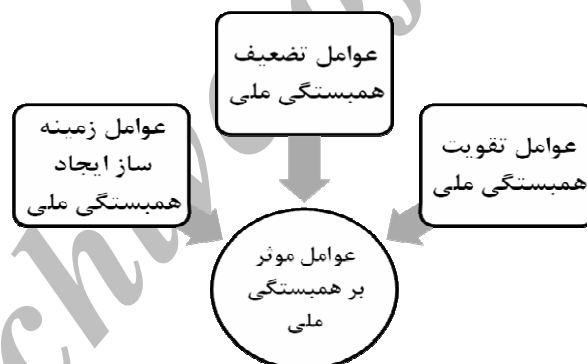
در این نوشتار سعی شده است ضمن جمع آوری اطلاعات از طریق کتابخانه ای و بررسی مبانی نظری به روش تحلیل محتوا، با نگاهی موشکافانه و عمیق به این دو پرسش که «عوامل موثر بر همبستگی ملی کدامند؟» و «نقش مؤلفه های فرهنگ و گردشگری در ایجاد همبستگی ملی چیست؟» پاسخ داده شود. به عبارت دیگر با

نگاهی به مفهوم همبستگی ملی و عوامل موثر بر آن در قالب یک چارچوب مفهومی سعی خواهد شد تا نقش و تاثیر این مولفه ها بر هر یک از عوامل موثر جستجو و مورد بررسی قرار گیرد.

مبانی نظری تحقیق:

- همبستگی ملی و عوامل موثر بر آن:

همبستگی ملی در ظرف دولت ملی، در جهان متغییر امروزی، که همواره در کشاکش دو سویه از ناحیه تمایلات و تعلقات فراملی و فروملی قرار دارد، از اهمیت پژوهشی و کاربردی فوق العاده ای برخوردار است [۱۲]. همبستگی ملی مفهومی دو سویه داشته که هم بر تمایزات و هم بر اشتراکات دلالت می نماید. این مفهوم از یک سو با تأکید بر مشترکات، ما را پیرامون محوری واحد همبسته و متعهد می سازد و از دیگر سو ما را از دیگران باز می شناساند. ایران ما کشوری متنوع، متکثر و مرکب از اقوام و خرده فرهنگ های گوناگون است که در میان آنها عناصر هویتی، دینی، ذهنی، تاریخ مشترک و جغرافیای واحد از اهمیتی بسیار برخوردار است. بنابراین هنگام بررسی همبستگی و هویت ایرانی باید با ظرایف خاصی از گذشته پیش از اسلام تا تماس با تمدن غرب در دوره های اخیر را مد نظر قرار داد و از افراط و تفریط و یک سو نگری جلوگیری نمود [۱۳]. در ادامه با عنایت به چارچوب مفهومی، عوامل تقویت، تضعیف و زمینه ساز همبستگی ملی در ایران مورد بحث قرار می گیرد.



شکل ۱-۱ عوامل موثر بر همبستگی ملی [۱۴]

الف- عوامل تقویت همبستگی ملی

عوامل تقویت همبستگی ملی در تاریخ ایران نقش بسزایی داشته اند و در دوره های گوناگون هر یک نقش و اهمیتی خاص داشته اند. از جمله مهمترین این عوامل می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- مذهب: مولفه مذهب به تنهایی در ایجاد فرهنگ، آداب رسوم بسیاری از کشورها تاثیر شگرف دارد و حتی در بسیاری از کشورها اهمیت آن رو به افزایش است [۱۷]. در واقع دین یکی از عناصر عمده و تاریخی هویت ملی است که ارزش های زنده یک جامعه را در بر می گیرد و این موضوع در کشورهای اسلامی کاملا صادق است. خدای سبحان با نصب کعبه توسط ابراهیم و زنده کردن آن توسط پیامبر اسلام (ص) مکانی را مقرر کرد تا تمامی مسلمانان بر گرد آن حلقه زده و با طواف در اطراف کعبه، اعلام کنند که همت و هدف تمامی مسلمانان در راستای کلمه توحید است و همه در یک مسیر گام بر می دارند. دین اسلام، دین رسمی کشور ایران است که ۹۹/۵٪ مردم ایران مسلمان اند و از آن میان حدود

۹۰٪ مسلمانان ایران شیعه مذهب هستند [۱۰]. تشیع عنصر تاریخی و جزو جدایی ناپذیر روح هویت ملی ایرانیان است. بسیاری از سنت‌ها، آداب، رسوم و ارزش‌های فرهنگی در شیوه زندگی ایرانیان کم و بیش در قالب تشیع شکل گرفته است و کمتر تحولی در تاریخ چند ساله اخیر ایران اتفاق افتاده که متاثر از حوزه مذهب تشیع نباشد [۶]، [۱۰].

۲- **هویت ملی:** مشارکت در شیوه تفکر و احساس مردم یک کشور، هویت ملی را تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر، هویت ملی نوعی احساس تعهد و تعلق خاطر به اجتماع ملی است که موجب وحدت و انسجام می‌شود و دارای ابعاد مختلفی می‌باشد [۱۴]. هویت ملی شامل ارزش‌های ملی، اجتماعی، انسانی و مذهبی است. در کشور ما ایران، این ارزش‌ها از جایگاه خاصی در میان اقوام برخوردار است. تعاریف متعددی از هویت ملی شده است که هر یک به ابعاد خاصی از این مسأله تاکید کرده اند در اینجا به طور خلاصه به چند مورد اشاره می‌شود.

- هویت ملی، مجموعه‌ای از عناصری است که زندگی روزمره، زندگی تاریخی، زندگی اجتماعی و سیاسی مردم را تشکیل می‌دهد.
- هویت ملی، تاریخ و گذشته مردمی است که، برای بقای سرزمین و حفظ آداب و رسوم دیرین خود تلاش کرده اند.

- هویت ملی هر قوم و ملتی یعنی زبان و فرهنگ آن قوم و ملت؛
- هویت ملی مجموعه‌ای از میراث‌های فرهنگی و مشترکی است که ما را با هم پیوند می‌دهد؛
- هویت ملی ما یعنی، آنچه که ملت ما طی سالهای متمادی سعی در زنده نگه داشتن آنها داشته و دارند [۱۲]، [۱۵].

با توجه به تعاریف فوق، تمامی مشترکات فرهنگی ما اعم از سرزمین، زبان، نمادهای ملی مانند سنتها و ادبیات، موسیقی ملی به عنوان ارزشهای ملی از دیگر عوامل مهم در انسجام مردم یک کشور است که در محدوده هویت ملی جایگاه و ارزش ویژه ای دارد.

۳- **هویت تاریخی:** سرزمین پهناور ایران که از گذشته‌های دور مهد علم، فرهنگ و تمدن بوده است، در ردیف کهن‌ترین تمدن‌های جهان قرار دارد. این سرزمین بی‌همتا خاستگاه نخستین انسان‌های دانا با قدمتی چندین هزارساله است. آریایی‌ها، اولین شعبه متمدن جهان بودند که در این سرزمین کم‌نظیر سکنا گزیدند و به خدای یگانه ایمان آوردند. اولین دولت جهان نیز در فلات مرکزی ایران تشکیل شد و تنها امپراتوری منسجم جهان ۲۵۰۰ سال پیش به عنوان مقبول‌ترین امپراتوری در این سرزمین برپا شده است. منشور حقوق بشری که سرسلسله امپراتوری هخامنشی (کوروش کبیر) در آن زمان تدوین کرد، از منشور امروزی حقوق بشر سازمان ملل پیشرفته‌تر و انسانی‌تر است [۲۷]. این کشور بزرگ در قرن هفتم میلادی به وسیله فاتحان عرب تسخیر و مذهب اسلام را به عنوان دین رسمی پذیرفت و تاریخ جدید آن با افتتاح مجلس و قانون اساسی از زمان محمد علی شاه قاجار شروع شده است.

۴- **زبان:** زبان وسیله‌ای است که افراد جامعه از طریق آن، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و افکار، عقاید و اندیشه‌هایشان را، به هم متصل می‌نمایند. زبان به عنوان یکی از عوامل پیوند دهنده ملت است، که بشریت را به بیشترین تعداد گروه‌های متمایز، تقسیم می‌کند. وجود یک زبان ملی مشترک در درون مرزهای یک کشور برای انجام کارکردهای اقتصادی، اداری، سیاسی، نظامی و آموزشی دولت مدرن، به ویژه در کشورهایی که دولت وظایف بسیار

پیچیده ای برعهده دارد از جمله ضرورت‌های ناگزیر است. در ایران زبان رسمی دولت و ملت، زبان فارسی است که بیش از دو سوم جمعیت به این زبان تکلم می‌کنند و آموزش کودکان و بزرگسالان نیز در کشور به این زبان صورت می‌گیرد. علاوه بر زبان فارسی، زبانهای ترکی، کردی، لری، عربی و بلوچی نیز در ایران متداول می‌باشد. زبان به مثابه ابزار تبادل اندیشه در یک جامعه، بخش جدایی ناپذیری از زنجیره تکامل آن جامعه، در هر برهه مشخص تاریخی آن می‌باشد [۲].

۵- ادبیات، شعر و شاعری: ادبیات قوی و شعر و شاعری از جمله عواملی است که وفاق ملی را در کشور تقویت می‌کند؛ زیرا ادبیات مشترک، احساس مشترک برای مردم ایجاد می‌نماید. اشعار حافظ، سعدی و مولوی از جمله اشعاری است که نه تنها در زبان فارسی بلکه در هر زبانی و در میان هر قومی و ملتی احساس مشترک انسانی بوجود می‌آورد [۷]، [۱۴].

۶- اعیاد ملی و مذهبی: در تاریخ فرهنگ و تمدن ایرانی، جشن‌ها و روزهای عید، ریشه در تاریخ افسانه‌ای ایران باستان یعنی دوره سلسله پیشدادی دارند. در ایران جشن‌ها و اعیاد به دو دسته دینی و ملی تقسیم می‌شوند. نخستین جشن ایرانی به نام نوروز از زمان پادشاهی جمشید مرسوم شد و در زمان‌های بعد، جشن‌ها و آیین‌های دیگری چون تیرگان، مهرگان، سده و غیره در فرهنگ ایران پدید آمدند. مهم‌ترین جشن‌های دینی در ایران؛ عید قربان، عید فطر، عید غدیر خم، مبعث پیامبر اسلام (ص)، عید میلاد حضرت مهدی (عج) و عید میلاد دیگر ائمه اطهار است. اعیاد ملی و مذهبی در ایران نزد تمامی افراد و قومیت‌ها پاس داشته می‌شوند. اقلیت‌های مذهبی نیز در ایران آزادانه می‌توانند جشن‌های مذهبی خود را به جای آورند، برخی از این جشن‌ها همچون تولد حضرت عیسی مسیح برای تمامی مردم ایران اهمیت دارد. مراسم‌های خاص جشن‌ها و آداب و رسوم حاکم بر جشن‌های ایرانی در تمام کشور دارای یک کلیت است اما با شیوه‌های مختلفی که متأثر از آداب و رسوم افراد در طول سال‌های متمادی است، اجرا می‌شود که بر جذابیت این جشن‌ها می‌افزاید. این جشن‌ها احساس مشترک بین ایرانیان ایجاد نموده و همبستگی ملی را تقویت می‌کند [۲۷].

۷- وضعیت اقتصادی: با توجه به ابعاد و جنبه‌های مختلف توسعه، از جمله اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌توان بر همبستگی و اتحاد ملی به عنوان پشتوانه مهم در جهت رسیدن به توسعه تأکید کرد. در واقع، رسیدن به توسعه بدون همبستگی و مشارکت فعال در فعالیت‌های مختلف غیرممکن است. به عبارتی یکی از لوازم برنامه ریزی در دنیای جدید، توجه به مشارکت فعال و اثر بخش همه جانبه افراد جامعه در تمام ابعاد مختلف توسعه می‌باشد [۲۶]. در واقع ارتباطات اقتصادی در یک کشور نقش هماهنگی را بین جوامع آن ایجاد می‌کند. این فاکتور نیز در محافل علمی به عنوان یک عامل هماهنگ کننده نقش دارد. به عنوان مثال، اکتشاف نفت از سال ۱۹۰۸ میلادی به وسیله شرکت‌های انگلیسی در ایران سبب تقویت وفاق ملی بین ملت ایران شد. مبارزه برای ملی شدن نفت ایران به رهبری دکتر مصدق نمونه بارزی از هماهنگی و یکپارچگی ملت در برابر غارتگران اقتصادی در کشور به شمار می‌آید [۱۴].

۸- **سرزمین مشترک:** سرزمین مشترک که با مرزهای جغرافیایی مشخص می شود نیز عاملی برای تشریک مساعی مردم و احساس تعلق ملت به آب و خاک خود می باشد. به دلیل همین احساس تعلق به آب و خاک یک کشور است که مهاجران بین المللی همواره مشکل وابستگی به سرزمین جدید را دارند [۱۴، ص ۸۱] و یا به عبارت دیگر دچار ضربه فرهنگی می شوند در واقع انتقال از کشوری به کشور دیگر، موجب به وجود آمدن سردرگمی، گیجی و هیجانات شدید میشود، که آن را «ضربه فرهنگی» می نامند و کسی که تازه به سرزمین بیگانه میرود باید در انتظار ضربه فرهنگی باشد [۱۱].

۹- **موسیقی:** موسیقی ارتباط تنگاتنگ با جغرافیای یک کشور دارد. موسیقی همچنین ارتباط بین حرکت و فضا را برای مردم یک سرزمین بیان می کند [۲۰]. در واقع رقص و موسیقی و آوای خوش از روزگاران کهن از پدیده های انسانی و هنرهای ملی مردم ایران بوده است. ایرانیان به ساز (تار) و کمانچه و نی دلبستگی خاص دارند و دوتار، قوشمه، قیچک، رموز، دایره، نی انبان، دهل، طبل، سنج، چگور، آکوردئون از مهم ترین آلات موسیقی سنتی محلی ایرانی است [۲۷]. موسیقی به مردم یک کشور شادابی و روحیه بخشیده و در مردم وحدت ایجاد می کند.

۱۰- **دشمن مشترک:** یکی از عواملی که بین مردم یک کشور همبستگی ایجاد می کند، وجود یک دشمن خارجی مشترک است؛ زیرا ترس مشترک، وحدت جمعی می طلبد [۱۴].

#### ب) عوامل تضعیف همبستگی ملی:

علاوه بر موارد فوق که موجب تقویت همبستگی ملی می گردد عواملی نیز هستند که ماهیتا و یا عدم توجه به آنها موجبات تضعیف همبستگی را فراهم می سازد از جمله این عوامل می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- **اختلاف اقلیمی:** اختلافات اقلیمی سبب بوجود آمدن ناهماهنگی محیطی و جغرافیایی می گردد و ناهمگونی جغرافیایی ناهماهنگی اجتماعی با فرهنگ های ویژه را بدنبال دارد. از اینرو اختلاف اقلیمی در تضعیف وحدت ملی نقش دارد [۷]، [۱۴].

۲- **تشکیل دولت های ملی:** تشکیل این نوع حکومت ها از سال ۱۷۸۹ میلادی از فرانسه آغاز شد که غالباً بر رای مردم متکی است. پس از جنگ جهانی اول و دوم، با مشخص نمودن مرز بین دولت های ملی و گروه های نژادی منجر به ناهماهنگی های بین دولت های ملی شد [۲۲]. زیرا زمانیکه یک گروه نژادی در داخل کشور حکومت را در دست می گیرد، گروه های دیگر احساس می کنند که این حق به آنها نیز تعلق داشته و در مورد آنها کوتاهی شده است و بنابراین این طرز تفکر منجر به جدائی اقوام و نژادهای داخل کشور می گردد.

۳- **مهاجرت:** در مهاجرت های بین المللی تنها انسانها جابجا نمی شوند، بلکه سنت ها و فرهنگ های آنها نیز از نقطه مبدا به مقصد حمل می گردند. در نتیجه مشکل ناهماهنگی فرهنگ های مختلف در منطقه مقصد به جدائی قومی و فرهنگی منجر شده و همبستگی همگانی در یک کشور تضعیف می شود [۱۴].

۴- **جهانی شدن:** پدیده جهانی شدن روند فزاینده ادغام افراد و مکانها بدلیل پیشرفت حمل و نقل، ارتباطات و تکنولوژی اطلاعات می باشد که منجر به یکپارچگی اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جهانی شده است. اکثر صاحب نظران و اندیشمندان بر این باورند که جهانی شدن ناشی از پیشرفت های بنیادین در زمینه ارتباطات،

تکنولوژی، حمل و نقل و سایر مواردی است که دسترسی بیشتر انسان ها به افکار و محصولات یکدیگر را فراهم ساخته است. جهانی شدن یک پدیده تازه نیست؛ این پدیده بعد از انقلاب صنعتی در اروپا منجر به انتقال فرهنگ آنها به قاره جدید آمریکا و سایر نقاط جهان شد. در حقیقت انتقال فرهنگ برتر به دیگر نقاط جهان سبب تسلط فرهنگ برتر در سایر نقاط می شود. به عبارت دیگر، غلبه فرهنگ برتر در سرزمین های جدید به تضعیف دیگر فرهنگ ها منجر می شود [۲۱].

۵- **ناهماهنگی اجتماعی:** در بین جوامع قومی همواره بحث های اختلاف برانگیز وجود دارد که شایسته جوامع متمدنی نمی باشد. به عنوان مثال کلمات سیاه پوست و سفیدپوست، فارس و ترک، سنی و شیعه، چپ و راست از جمله مباحثی است که به اختلافات در جامعه می انجامد.

۶- **نابرابری فضائی:** نابرابری های میان مناطق، نواحی، استان ها، شهرهای کوچک و بزرگ و به طور کلی نابرابری های جغرافیایی و اقتصادی به ناهماهنگی های اجتماعی لطمه زده و سبب تشنج در کشور می شود. نابرابری های تقسیم ثروت بین گروه اقلیت در یک کشور و رانت خواری نیز از این مقوله است.

۷- **ناهماهنگی نمادین:** تضعیف احساسات و تفکر مشترک مردم یک قوم در یک کشور منجر به نارضایتی خواهد شد. به عنوان مثال، در چارچوب اداره یک مملکت باید نرم ها، ارزش ها، و زبان گروه های مختلف قومی گنجانده شوند تا آنها احساس فاصله با بقیه مردم را ننمایند.

۸- **گرایش ها و اختلافات مذهبی:** رهبران مذهبی ممکن است که سلیقه ها و اختلاف نظرهای متعددی را در داخل هر کشوری اعمال کنند که این ناهماهنگی ها و اختلافات فکری می تواند سبب تقسیم بندی مردم به گروه های مختلف شده و به همبستگی ملی لطمه وارد می کند. البته تا زمانی که رهبران مذهبی به عنوان رهبران سیاسی معرفی نشده اند، این اختلافات کمتر است.

۹- **همبستگی داخلی گروه های قومی:** گروه های عشائری نظیر کرد، لر، بختیاری، قشقایی، بلوچ، عرب، ترکمن و... خود را به دولت مرکزی نزدیک نمی دانند. آنها مطابق آداب و رسوم خود به گذشته خود افتخار کرده و به سازمان های اجتماعی، سیاسی و سنتی خود بیش از همبستگی ملی اعتقاد دارند. بنابراین، اگر طوری عمل شود که این مردم احساس جدائی نسبت به حاکمان خود کنند، این رویه قطعاً در تضعیف همبستگی ملی موثر خواهد بود [۱۴].

**ج) عوامل زمینه ساز ایجاد همبستگی ملی:**

از جمله مهمترین این موارد می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- **توزیع برابر منابع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی:** توزیع مساوی منابع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در میان مردم یک کشور باعث تقویت وحدت ملی و در نتیجه ترمیم و اصلاح همبستگی ملی خواهد شد.

۲- **وحدت قدرت ها، احزاب و گروه های سیاسی داخل کشور:** مطابق قانون اساسی در ایران قدرت سیاسی بین گروه هایی که در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی اجازه فعالیت دارند، تقسیم شده است. اگرچه این گونه تقسیم بندی از دیکتاتوری محض جلوگیری می کند؛ اما در اغلب موارد اختلاف نظر بین این گروه ها، قدرت و توان آنها را

به تحلیل برده و به تضعیف وفاق ملی می انجامد. در نتیجه، وحدت بین ارگان ها، سازمان ها و قدرت های سیاسی در جهت اصلاح همبستگی ملی موثر می باشد.

۳- **وحدت بین ملت و دولت:** به منظور اصلاح و تحکیم همبستگی در داخل کشور بهتر است تا مسئولین و برنامه ریزان کشور همه نواحی و بخش های آن را با هم مورد ملاحظه قرار دهند [۱۴].

۴- **ائتلاف فرهنگی:** سیاست ائتلاف فرهنگی می تواند در همبستگی فرهنگ های مختلف داخل یک کشور، نقش مثبت ایفا نماید. به علاوه این امکان برای مردم کشور که از اقوام و خرده فرهنگ های گوناگون بوجود آمده، فراهم است تا بتوانند آزادانه به توسعه فرهنگی خود بپردازند. سیاست موزائیک فرهنگی به خرده فرهنگ ها امکان می دهد تا فرهنگ جامعه خود را به موازات سایر فرهنگ ها توسعه دهند [۲۳]. این نوع توسعه فرهنگی خرده فرهنگ ها، می تواند به هماهنگی فرهنگی با دیگر قومیت ها بیانجامد [۱۴].

#### - گردشگری و همبستگی ملی:

ارتباط بین فرهنگی و انتقال پیام در بین فرهنگ ها، تاثیر بسزایی بر توانایی شناختی و رفتاری فرد دارد و موجب تسهیل تعاملات بین فرهنگی آتی می شود. این رویارویی ها اضطراب کمتری تولید می کند، نیاز به تطابق کمتری دارد و دستیابی به تطابق با آن ها آسان تر است و در نهایت، فرآیند ارتباطات بین فرهنگی به تعاملات گسترده تر با حساسیت کمتر منجر می شود. بنابراین، بر اثر این تعاملات، سلیقه ها، خواست ها، مطالبات و انتظارات تمام افراد در فرهنگ های مختلف به یکدیگر نزدیک شده و روابط خرده فرهنگ ها و فرهنگ های عام با هم تقویت می شود. نا گفته پیداست که پدیده هایی نظیر گردشگری داخلی نقش بسیار زیادی در ایجاد این وضعیت و تقویت ویژگی های مشترک بین افراد یک جامعه دارد و در واقع فرآیند همگن سازی<sup>۲</sup> به کمک این پدیده ها محقق می گردد. در اینجا منظور از همگن سازی، همانند گردی<sup>۳</sup> نیست، بلکه تقویت نقاط مشترک وحدت بخش و ایجاد تفاهم، علقه و رفع حساسیت در تفاوت هاست تا به تفاهم بین دارندگان فرهنگ های مختلف و در نهایت انسجام ملی منجر شود. بنابراین، فرهنگ ها می توانند از گفت و گو به عنوان نماد استفاده نمایند. گفت و گوی بین فرهنگی، ساز و کار جدی و موثر برای آگاهی یافتن از تنوع فرهنگی، انتقال و تبادل مفاهیم و نزدیک شدن خرده فرهنگ ها به یکدیگر است. از طریق گفت و گوی بین خرده فرهنگ ها، شهروندان در می یابند که تنوع فرهنگی یک حقیقت اجتناب ناپذیر است و آگاهی از این تنوع، آن ها را از سردرگمی، سوء تفاهم ها و پیامدهای احتمالی آن، نظیر خشم و ناامیدی، رهایی می بخشد.

انسان از طریق گفت و گو، البته در صورت تمهید امکانات و ملزومات آن، با فرهنگ اقوام مختلف آشنا می شود، آگاهی های خود را در این زمینه افزایش می دهد و در نهایت، ضمن همدلی، دشواری پذیرش نگرش ها و باورهای دیگران را بر خود هموار می سازد. پدیده گردشگری به مثابه یک کنش اجتماعی است که سوی آن گردشگر به عنوان میهمان، و سوی دیگر آن جامعه محلی یا میزبان قرار دارد. هرکدام از این دو دارای فرهنگ، آداب، رسوم و تعلقات متفاوتی هستند که فصل مشترک آن میراث فرهنگی، وابستگی متقابل و سرنوشت مشترک است. شاید بتوان

<sup>2</sup>- Homogenization

<sup>3</sup>- Assimilation



میراث فرهنگی مشترک، گسترده و فراگیر را در بین شهروندان یک کشور از مهمترین اجزای هویت ملی دانست که سبب افزایش ضریب همبستگی ملی می شود. در تعریفی گسترده، میراث فرهنگی کلیه ابعاد فرهنگی هر نظام اجتماعی را در بر می گیرد که به نحوی خودآگاه، یا ناخودآگاه ما را تحت تاثیر قرار می دهد و نشانه های تاریخ یک فرهنگ و یک ملت به شمار می رود. در این مفهوم، میراث فرهنگی یک ملت، کلیت زنده و پویای خلاقیت انسانی است. این تعریف از حیث نظری درست اما بسیار عام و غیر تحلیلی به نظر می رسد؛ باید گفت میراث فرهنگی هر ملت که در هویت ملی آن موثر است، شامل مجموعه مناسک عام، شیوه های معماری، سنت ها، اعیاد، اسطوره ها، عرف ها و فرهنگ مردم و زبان است [۱۸].

به طور کلی موضوعات فرهنگ مردم در سه مقوله مشخص محدود می شوند که عبارتند از باورها، عرف و عادات مربوط به زمین و آسمان و دنیای جانداران، آداب و رسوم مربوط به نهادهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مانند اوقات فراغت، مشاغل، بازی ها، داستان ها، ترانه ها و ضرب المثل های هر ملت. هر قدر این مناسک فراگیرتر و شایع تر و حاوی کارکردهای هم گرایانه در بین شهروندان باشد، همبستگی فرهنگی که بعدی از همبستگی ملی است بیشتر تقویت خواهد شد [۹].

عنصر میراث فرهنگی در زبان فارسی متجلی شده است؛ لذا زبان فارسی یکی از عناصر مهم هویت ملی به حساب می آید. از آنجایی که اسطوره ها، تاریخ و فرهنگ ایران و به طور کلی تمام میراث مکتوب آن در این زبان تجلی پیدا کرده است و این زبان در میان تمامی اقوام ایرانی وجود دارد، طبیعی است که گسترش گردشگری (ایرانگردی) نقش بسزایی در گسترش و تقویت زبان فارسی خواهد داشت [۱] و تقویت کننده ضریب همبستگی ملی در ایران است. در همین راستا از دهه ۱۹۸۰ به بعد، نوعی از گردشگری تحت عنوان «گردشگری فرهنگی» اهمیتی دو چندان پیدا کرده است. آنچه مسلم است فولکلور یا فرهنگ قومی در چنین نوع از گردشگری جایگاهی ویژه دارد. همان گونه که از عنوان «گردشگری فرهنگی» برمی آید. فرهنگ در جامع ترین تعریف آن که فرهنگ مادی و معنوی یا غیر مادی را در بر می گیرد، بنیاد برنامه ریزی گردشگری تلقی می شود؛ بدین معنا که از یک سو برای جذب گردشگران فرهنگی اهتمامی ویژه مبذول می گردد و از سوی دیگر فرهنگ مادی و غیر مادی جامعه بر پایه نگاهی مقایسه ای- تاریخی، محور بنیادین گردشگری تلقی می گردد. به دیگر سخن، سه سطح کلان، میانه و خرد در بحث گردشگری حول فرهنگ به هم پیوند می خورند [۱۶].

در منابع مختلف موجود از حداقل ده نوع گردشگر یاد کرده اند که عبارت اند از:

- ۱- گردشگر به عنوان باستان شناس علاقمند به فضاهای تاریخی گردشگری
- ۲- گردشگر به عنوان انسان شناس علاقمند به فرهنگ، خصایص فرهنگی، فرهنگ قومی و از جمله فولکلور
- ۳- گردشگر به عنوان ماجراجو و علاقمند به تجربه های جدید
- ۴- گردشگر به عنوان گریزنده از شرایط موجود خود و علاقمند به فضاهای استراحتی و اوقات فراغت
- ۵- گردشگر به عنوان عضوی از طبقه مرفه علاقمند به استانداردهای بالای خدمات اقامتی
- ۶- گردشگر به عنوان جستجوگر علاقمند به کشف فضاهای تازه و سرزمین های ناشناخته و آداب و رسوم متفاوت

- ۷- گردشگر به عنوان شکمباره علاقمند به غذاهای متنوع سایر ملل
- ۸- گردشگر به عنوان محقق علاقمند به بررسی فرهنگ ها و آداب و رسوم
- ۹- گردشگر به عنوان انتقال دهنده فرهنگ، علاقمند به تاثیر بر فرهنگ بومی
- ۱۰- گردشگر به عنوان خوشگذران و علاقمند به انجام اعمال خلاف و... [۵].

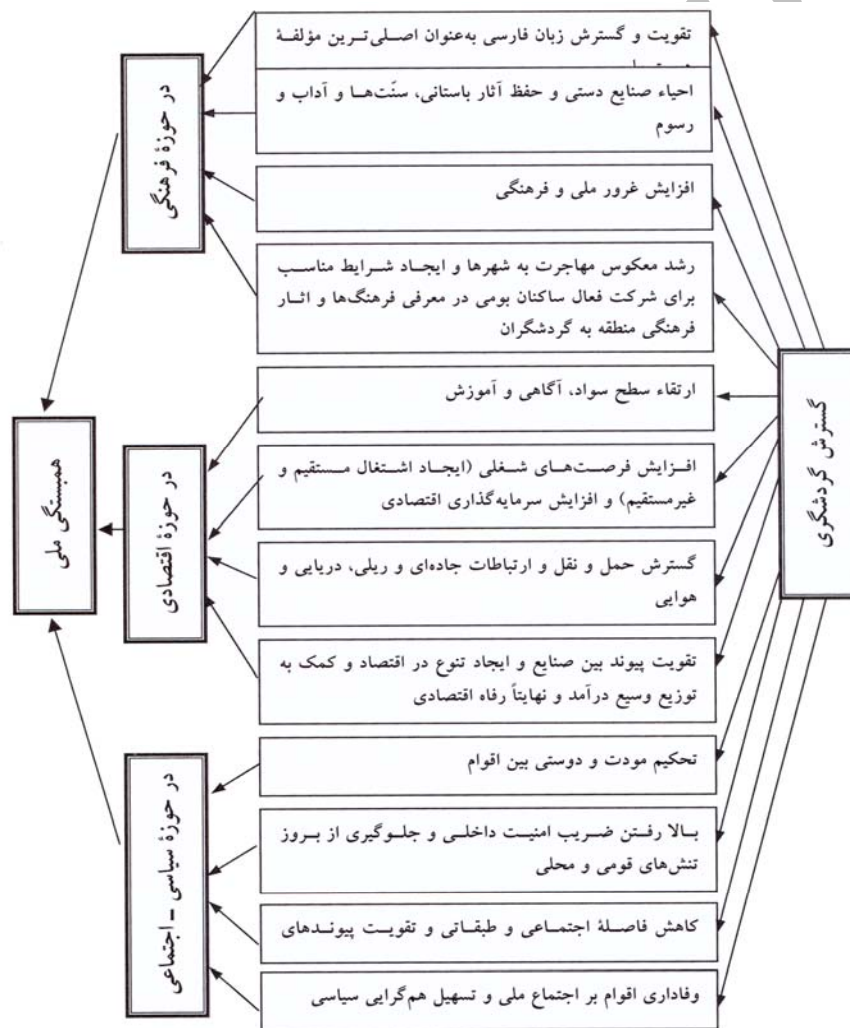
نگاهی گذرا به ده نوع گردشگر به خوبی مشخص می سازد که موارد ۱ و ۲ و ۶ و ۹ مستقیماً به فرهنگ قومی، آداب و رسوم محلی، ارزش های فرهنگی مربوط اند که در تعریف عام سرمایه فرهنگی، عناصر چنین سرمایه ای محسوب می شوند. توجه باید کرد که از ده نوع جهانگرد، ۵ نوع آن یعنی درست نیمی از اجتماع گردشگران، به فرهنگ قومی علاقمند و خواستار آشنایی با آن می باشند [۱۶]. مردم مناطق و ساکنان محلی به دو گونه از منافع فرهنگی توسعه گردشگری بهره مند می شود: اول اینکه گردشگری، فرهنگ جامعه میزبان را به سایر جوامع و فرهنگ ها معرفی می کند. این اثر مانند تبلیغات برای گوهری است که هر جامعه آن را چون صدف در درون خود محفوظ می دارد و هرچه این گوهر اصیل تر و غنی تر باشد، معرفی آن به دیگران عزت و احترام بیشتری برای صاحبانش به همراه خواهد داشت؛ دوم اینکه صنعت گردشگری فرصتی برای ساکنان ایجاد می کند تا فرهنگ خود را مستقیم و بدون واسطه و به شکل واقعی به علاقمندان عرضه کنند [۲۴]. این عمل، به ویژه باعث تقویت غرور و همبستگی جامعه میزبان و افزایش آستانه تحمل آنان در برابر فرهنگ های دیگر می شود [۱۸].

با توجه به اینکه ایران کشوری چند قومی و چند فرهنگی است در نتیجه:

- ۱- سفره متنوع قومی و فرهنگی، ایران را از نظر الگوها و تنوع غذایی در رتبه بالایی قرار می دهد
- ۲- موسیقی اقوام متنوع ایران را از نظر فولکلور بسیار غنی ساخته است
- ۳- دست ساخته های اقوام مختلف به فرهنگ مادی ایران غنایی چشم گیر بخشیده است.
- ۴- فرهنگ شفاهی اقوام، ایران را از این نظر در بین چند کشور مهم جهان قرار می دهد.
- ۵- داستان های روایتی اقوام، قابلیت بیان تصویری فوق العاده قوی دارند. فقط کافی است توجه شود که چینی ها، برزیلی ها و هندیان چگونه از چنین قدرتی بهره می گیرند
- ۶- هنرهای نمایشی قوی در ایران قادر به تبدیل شدن به انواع برنامه های جلب گردشگری است [۱۶].

همانطور که ملاحظه می شود در تمامی موارد موثر بر همبستگی ملی که در بالا به آن اشاره گردید (شکل ۱-۱) گردشگری و به ویژه گردشگری داخلی می تواند نقش بسزایی در تقویت همبستگی ملی ایفا نماید. از طریق گردشگری داخلی و گفت و گوی فرهنگ های اقوام مختلف کشور می توان عوامل تضعیف همبستگی ملی را تا حدود بسیار زیادی کم رنگ و یا از بین برد و عوامل تقویت و زمینه ساز همبستگی ملی را بیش از پیش برجسته نمود. در واقع توسعه گردشگری از طریق تاثیر در حوزه های مختلف اقتصادی، سیاسی - اجتماعی و فرهنگی منجر به تقویت همبستگی ملی می گردد به طوری که توسعه گردشگری در یک منطقه خود منجر به آشنایی هر چه بیشتر ساکنان منطقه با فرهنگ خویش می گردد و از این طریق غرور ملی و فرهنگی آنان افزایش می یابد و در نتیجه مودت و دوستی بین اقوام تحکیم و وفاداری آنان به اجتماع ملی افزایش خواهد یافت و از آنجایی که توسعه

گردشگری خود موجب اثرات اقتصادی مثبت در منطقه می گردد لذا ساکنان منطقه به ارزش صنایع دستی و آثار باستانی، آداب، رسوم و سنین خود بیش از پیش پی برده و سعی در حفظ و احیا آن خواهند نمود، این امر موجب بهبود وضعیت ساکنین خواهد شد و رشد معکوس مهاجرت به شهرها و ایجاد شرایط مناسب به منظور مشارکت فعال در معرفی فرهنگ ها و آثار فرهنگی منطقه به گردشگران را در پی خواهد داشت. به علاوه در نتیجه بهبود شرایط ساکنین به ویژه شرایط اقتصادی زیرساخت های منطقه به ویژه زیر ساخت های گردشگری از جمله حمل و نقل، ارتباطات، راه های جاده ای، ریلی، دریایی، هوایی و... بهبود خواهد یافت. شکل ۱-۲ تاثیر گردشگری بر همبستگی ملی را به طور خلاصه نشان می دهد.



شکل ۱-۲ تاثیر گردشگری بر همبستگی ملی [۱۸].

## نتیجه گیری و پیشنهاد

در این مقاله مفهوم همبستگی ملی و عوامل موثر بر آن در قالب یک چارچوب مفهومی به تفصیل بیان و در ادامه تاثیر گردشگری از طریق گفت و گوی بین اقوام، فرهنگ ها و... و روابط متقابل بین این دو مفهوم شرح داده شد. از آنجایی که امروزه نهادهای اجتماعی براساس ضرورت های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و با ویژگی هایی از قبیل هدفمندی، دارا بودن چارچوب، یکپارچگی و... منجر به همبستگی ملی می شوند. این نهادها می توانند به صورت زبان، آموزش، رسانه، دین و مذهب، سیاست، اجتماع، اقتصاد ظهور یابند و هر کدام بر مبنای نیازهایی که بر اساس تفکر و جایگاه خود تشخیص می دهند، در نهایت همبستگی ملی را ترویج و شکاف های اجتماعی و آنچه که شکاف در مسیر توسعه و وحدت ملی قرار دارد را تا حدودی ترمیم نمایند. [۲۶]. با توجه به عوامل موثر بر همبستگی ملی و تاثیری که توسعه گردشگری به ویژه گردشگری داخلی می تواند بر تقویت آن داشته باشد که در بالا به تفصیل به آن اشاره شد ضروری است عوامل تقویت همبستگی ملی بیش از بیش تقویت یافته و عوامل تضعیف آن با تمهیداتی از جمله توسعه مناسب گردشگری از بین و یا به حداقل برسد. در این راستا توجه به موارد زیر ضروری به نظر می رسد:

۱- بها دادن به زبان بومی، محلی و قومی در عین اصالت دادن و رسمیت بخشیدن به زبان رسمی و ملی با استعانت از الگوی وحدت در عین کثرت و پراکندگی در انتظام، مطابق راهبرد و اساسی فرهنگستان زبان فارسی و قانون اساسی کشور؛

۲- کشف وجوه اشتراک میان زبان فارسی، محلی و ملی با یکدیگر، با هدف ایجاد همگرایی زبانی؛

۳- احترام به زبانهای محلی، با در نظر داشتن این چشم انداز از آینده که، جهان به سمت وحدت هرچه بیشتر پیش می رود و خرده زبانها به نفع زبان های اصلی، محو می گردند؛

۴- یکی از مهمترین ابزارهای سامان یافتن وفاق و همبستگی ملی، رسانه های جمعی هستند. از جمله تاثیرات مثبت ارتباطات در همبستگی ملی عبارتست از:

- تسهیل همگرایی سیاسی در داخل جوامع
- ایجاد واحدهای سیاسی، نهادها و سازمانهای محلی، ملی، منطقه ای و بین المللی
- توسعه شهرنشینی، ارتقاء سواد، افزایش درآمد سرانه و تقویت پیوندهای اجتماعی بین جوامع، که در نهایت، روند دستیابی به رفاه اقتصادی را هموار خواهد کرد [۱۲].

۵- افزایش مناسبات و مبادلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و علمی، میان ملل و اقوام مختلف و فواصل جغرافیایی، کمک به برقراری تفاهم، همبستگی، همگونی و همکاری بین المللی؛

۶- کمک به بشر و سیاست های ملی و افزایش سطح مشارکت اجتماعی و ایجاد شرایط مناسب برای حل و فصل بدان نفوذ، مشارکت هویت و مشروعیت؛

۷- کارکرد آموزش و دادن اطلاعات به ملتها و آگاه ساختن ملل نسبت به سنت های ریشه دار ملی و تاریخی لذا توجه به امر ارتباطات و رسانه های جمعی در راستای تقویت همبستگی ملی ضروری است.

۸- اعمال سیاست های خصوصی سازی و کوچک کردن حجم دولت در راستای افزایش مشارکت فعال و اثر بخش افراد جامعه در ابعاد مختلف توسعه.

۹- اهتمام و توجه هر چه بیشتر به زبان، هویت ملی و تاریخی، موسیقی، اعیاد ملی و مذهبی، ادبیات، شعر و شاعری به ویژه از طریق توسعه گردشگری در مناطق مختلف کشور و تلاش در جهت شناساندن فرهنگ، آداب و رسوم اقوام و مناطق مختلف به گردشگران در جهت تعمیق همبستگی ملی؛

۱۰- هر چند اختلاف اقلیمی سبب به وجود آمدن ناهماهنگی هایی در فرهنگ مناطق مختلف می گردد اما توسعه گردشگری و ارتباط میان اقوام و فرهنگ های مختلف خود می تواند منجر به آشنایی اقوام و فرهنگ ها با یکدیگر و در نتیجه تقویت همبستگی ملی گردد.

۱۱- جلوگیری از ایجاد گرایش ها و اختلافات مذهبی

۱۲- از آنجایی که یکی از کارکردهای توسعه گردشگری در بعد اقتصادی، ایجاد فرصت های شغلی (اشتغال مستقیم و غیرمستقیم) و افزایش سرمایه گذاری اقتصادی و رفاه اقتصادی در منطقه است لذا می تواند منجر به رشد معکوس مهاجرت و ایجاد شرایط مناسب برای شرکت فعال ساکنان بومی در معرفی فرهنگ ها و آثار فرهنگی منطقه به گردشگران گردد.

۱۳- برداشت عده ای از جهانی شدن فرهنگ، به وجود آمدن یک فرهنگ فراگیر برای تمامی ملت های جهان، متفاوت با همه فرهنگ های محلی، ملی و قاره ای موجود است. فرهنگی که در آن زبان، سنن، تمایلات، ارزشها و شیوه های پر کردن اوقات فراغت برای تمامی مردم جهان (صرفنظر از هویت ملی، قاره ای و حتی اقتصادی آنان) یکسان شده است و به موازات گسترش و تعمیق آن، فرهنگ های بومی تضعیف شده و به تدریج رو به زوال می گذارند. اما عده ای دیگر عقیده دارند در شرایط جهانی شدن فرهنگی، بسیاری از شاخص های فرهنگی و بومی و محلی برجسته شده و به فراسوی سرزمین ملی و بومگاههای محلی سرازیر می شوند [۲۵]. لذا با اجرای تمهیداتی باید توسعه گردشگری در منطقه در راستای تقویت شاخص های فرهنگی، بومی و محلی منطقه باشد تا منجر به افزایش غرور ملی و فرهنگی و در نتیجه احیای صنایع دستی و حفظ آثار باستانی، سنت ها و آداب و رسوم باشد و در نتیجه تقویت همبستگی ملی گردد.

#### منابع و مأخذ:

حمیدی، حمید. (۱۳۸۶). «هویت و قومیت در ایران» مجموعه مقالات هویت در ایران به اهتمام علی اکبر علیخانی، پژوهشگاه علوم انسانی و جهاد دانشگاهی، صص ۱۶۵-۱۸۷

ارژنگ، کیان (۱۳۷۸). «توانمندی های زبان فارسی و مسئولیت های ما» فصلنامه میراث ایران، سال چهارم، شماره ۱۵،

بشیریه، حسین (۱۳۸۷) «دیباچه ای بر مفهوم همبستگی ملی»، قابل دسترس در [www.Sociologyofiran.com](http://www.Sociologyofiran.com)

بهرروز، فاطمه (۱۳۷۴). «زمینه های غالب در جغرافیای انسانی»، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول،

پیروز، پوریا «مقدمه ای بر برنامه ریزی جهانگردی» ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره های ۴۵ و ۱۳۷۰، ۴۶،

توسلی، غلامعباس (۱۳۷۲). «ملیت، مذهب و آینده تمدن ایرانی» ماهنامه ایران فردا، شماره ۶،

ثلاثی، محسن (۱۳۷۹). «جهان ایرانی و ایران جهانی» تهران، نشر مرکز،

جلالی پور، حمید رضا (۱۳۷۲). «کردستان و علل بحران پس از انقلاب اسلامی» انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، حاجیانی، ابراهیم «تحلیل جامعه شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه» فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دوم، شماره ۵، صص ۱۹۱-۲۱۲

حافظ نیا، محمد رضا و کاویانی، مراد (۱۳۸۵). «نقش هویت قومی در همبستگی ملی (مطالعه موردی قوم بلوچ)» مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، جلد بیستم، شماره ۱، رابینز، استیفن پی (۱۳۸۰). «رفتار سازمانی؛ مفاهیم، نظریه ها، کاربردها» مترجمین: علی پارسائیان - محمد اعرابی، انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی، جلد اول،

رجب نسب، حمید (۱۳۷۹). «توسعه و همبستگی در ایران» پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۵، ۱۳۷۹

قرخلو، مهدی (۱۳۸۲). «تحکیم همبستگی ملی با تاکید بر عناصر جغرافیای فرهنگی در ایران» فصلنامه پژوهش های جغرافیایی، شماره ۴۶، عدل طلب، مسعود (۱۳۷۶). «مقدمه ای بر هویت ملی» موسسه مطالعات ملی، تهران،

کروبی، مهدی (۱۳۸۷). «فرهنگ قومی، سرمایه فرهنگی و صنعت گردشگری» فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸، گودرزی، حسین (۱۳۸۴). «جامعه شناسی هویت در ایران، زمینه های انسجام ملی در آذربایجان ایران» موسسه مطالعات ملی تهران، انتشارات تمدن ایرانی،

مقصودی، مجتبی و ارسیا، بابک (۱۳۸۸). «جایگاه گردشگری در تعمیق همبستگی ملی در ایران» فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۳۷، سال دهم، میر محمدی، داوود و رضایی، محمد «نظریه های روابط قومی» موسسه مطالعات ملی، تهران، ۱۳۷۷

Bates Daniel G & Plog Fred (1991). "Human Adaptive Strategies", MC Graw- Hill, INC.

Clark ,G. L, (1986). "Restructuring the U.S. economy: the NLRB, the Saturn Project, and economic justice ". *Economic Geography* , Vol 62, No:4

Crang Mike, (1998) " *Cultural Geography* ", Rutledge, London & New York.

Muir, Richard, (1981). " *Modern Political Geography* ", Macmillan Education.

Richards ,G (2000) " *tourism and the world of culture and heritage* " *Tourism Recreation research* , Vol 25, No 9, pp191-218

www.Globalization.ir

www.ISCA.ac.ir

www.istta.ir